

رابطه بین تعلق اجتماعی و ترس از جرم در شهر اردبیل

طاها عشایری^۱، اسماعیل حسنونند^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۷

از صفحه ۹۵ تا ۱۲۴

پژوهشنامه جغرافیای انتظامی

سال نهم، شماره سی و ششم، زمستان ۱۴۰۰

چکیده

ترس از جرم به وجود هراس، ناامنی اجتماعی، دلهره و نگرانی فرد نسبت به خود، خانواده، خویشاوندان، دوستان و شبکه‌های تعاملی (گروه‌های دارای پیوند نزدیک) در برابر تهدیدهای محیطی (نزاع و درگیری، سرقت، قتل، مزاحمت اجتماعی و قربانی شدن آنها) اشاره دارد. ترس از جرم در شهر اردبیل به دلیل شیوع مسائل و آسیب‌های اجتماعی، شدت بیشتری دارد. هدف پژوهش حاضر، مطالعه رابطه بین تعلق اجتماعی و ترس از جرم در شهر اردبیل است. روش پژوهش از نوع پیمایش (کمی) است. حجم نمونه به وسیله «سپل پو»^۳ برابر با (۲۷۸) نفر تعیین و با روش نمونه‌گیری تصادفی در بین شهروندان توزیع شده است. سطح روایی و پایایی شاخص‌ها، نیز مورد تأیید قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد که با کاهش تعلق اجتماعی، ترس از جرم در بین ساکنان نیز افزایش می‌یابد، همچنین انسجام محلی با بتای (۰/۱۵۴-)، مشارکت محلی (۰/۲۰۳-)، هویت محله‌ای (۰/۱۸۲-)، آگاهی اجتماعی (۰/۲۶۲-) و اعتماد محلی با بتای (۰/۱۷۳-) تأثیر معنی‌داری بر ترس از جرم داشته‌اند. بر این اساس با افزایش تعلق اجتماعی (ایجاد نهادهای محلی و کاربردی اجتماعی، فضای قابل دفاع در مجتمع مسکونی و محله‌ها، ایجاد هیئت‌امنای محلی و نگهبان محله، بازآفرینی سرمایه اجتماعی محیطی و افزایش تعامل بین نهادهای انتظامی، دولتی و خصوصی با ساکنان محیط، ایجاد کنترل اجتماعی نوین و دفاع جمعی از طریق تعهد اجتماعی و حساسیت جمعی به امنیت اجتماعی) می‌توان ترس از جرم را کاست.

کلیدواژه‌ها: تعلق اجتماعی، ترس از جرم، امنیت اجتماعی، اردبیل.

۱- عضو هیئت‌علمی گروه تاریخ و جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، (نویسنده مسئول)، t.ashayeri@uma.ac.ir

۲- عضو هیئت‌علمی پژوهشگاه علوم انتظامی و مطالعات اجتماعی فراجا، تهران، ایران.

بیان مسئله

احساس تعلق اجتماعی، رفتار، سبک زندگی، سلامت اجتماعی و شبکه‌های تعاملی فرد جامعه را نظم می‌دهد (شیردل و محمدی، ۱۴۰۰، ص ۵۰۴). تعلق اجتماعی، به دلیل ایجاد وابستگی فردی به محیط، هویت مکانی و سرمایه اجتماعی غنی، پتانسیل بروز و ظهور بی‌نظمی را از بین می‌برد. از پیامدهای تعلق اجتماعی قوی، وجود نظم اجتماعی است که در آثار متفکران جامعه‌شناسی کلاسیک آمده است. دورکیم در تقسیم‌کار اجتماعی، مسئله بی‌نظمی و احساس ناامنی اجتماعی را به تغییرات ارزشی-هنجاری جامعه از مکانیکی به ارگانیکی نسبت داده است. برای متفکران جامعه‌شناسی، نظم اجتماعی از جمله مهم‌ترین مقوله و دل‌مشغولی بزرگی بوده است. سن سیمون، کنت، دورکیم، پارسنز و وبر همه به نظم اجتماعی دل‌بسته بودند و علت آن را در تغییرات اجتماعی (گذار اجتماعی از قالب کهنه به نو) می‌دانستند. ایرنشتات^۱، نظم اجتماعی را در آثار دورکیم و تونیس، در چارچوب سرمایه اجتماعی (تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی و انسجام) تحلیل کرده است (ازکیا و غفاری ۱۳۸۶، ص ۵). گزاره اصلی آن‌ها این بوده است که جامعه فاقد هویت اجتماعی و سرمایه اجتماعی ضعیف (تعلق اجتماعی پایین)، محل ظهور آسیب‌های اجتماعی است (استفورد و همکاران، ۲۰۰۷). پنجره شکسته، تعبیری مناسبی برای سرزمینی بدون تعلق اجتماعی است. فضای اجتماعی رها شده، بی‌تفاوت، دل‌مرده و آشفتگی اجتماعی، فرصت انجام تمامی رفتارهای پرخطر را دارد، چنین محیطی، مملو از ترس برای ساکنان خواهد بود (گیدنز و بردسال، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱؛ سیمون^۲، ۲۰۰۷؛ گرلند^۳، ۲۰۰۱؛ پریست^۴، ۲۰۰۷). ترس از جرم به‌عنوان واکنش گسترده احساسی و علمی به جرائم و بی‌نظمی فردی-اجتماعی است (هلوی و جفرسون^۵، ۱۹۹۷؛ لودر^۶ و همکاران، ۱۹۹۸). بی‌نظمی

1- Shmuel Eisenstadt
 2- Simon
 3- Garland
 4- Pratt
 5- Hollway&Jefferson,
 6- Loader

محیطی، نشانگر رها شدن ارزش‌های اجتماعی و فقدان تعلق اجتماعی قوی است (یوسف‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۵؛ سبزه‌ای و مرادی، ۱۳۹۴، ص ۱۸۶). ترس از جرم بیشتر از خود جرم زیان می‌رساند و منجر به افت روح و جان مردم می‌شود (ستوده، ۱۳۹۰، ص ۱۱). ترس و نگرانی از جرم و بزه‌دیدگی بر کیفیت زندگی، سلوک و رفتار ساکنان تأثیر می‌گذارد (سعادت‌یار و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴). معمولاً محله‌های شلوغ، حاشیه‌نشین، کوچه‌های پر و پیچ‌وخم، ساختمان‌های غیراصولی و غیراستاندارد به افزایش ترس از جرم کمک می‌کند. ترس از جرم در بین شهروندان باعث ایجاد هراس اجتماعی^۱ می‌شود. در صورتی که ترس از قربانی شدن و آلوده شدن به جرم و بزهکاری در بین شهروندان شیوع یابد، باعث کاهش مشارکت، کاهش اعتماد اجتماعی، افت سرمایه اجتماعی، کاهش روابط اجتماعی و همدلی در بین محلات و سطح شهر خواهد شد (سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۸۹). تعلق اجتماعی در مکان‌هایی با ساختار طبقاتی متنوع، مهاجرپذیر و دارای اقوام ناهمگون قومی بسیار پایین بوده و در این محیط‌ها، احساس ناامنی هم بیشتر است. محله‌های با ناهمگونی نژادی و فقیر و مهاجرپذیر، بسترهای ناپهنجاری بالایی دارند (اسمیت، فرزی و دیویسون^۲، ۲۰۰۰، ص ۴۹۰). چنین محلاتی به بی‌سازمانی اجتماعی شباهت دارند. در محیط بی‌سازمان، سطح کنترل اجتماعی پایین بوده و ظاهر اجتماع بی‌نظم است (کیونگ^۳، ۲۰۱۶)؛ یعنی در این محیط، نشانی از تعلق اجتماعی نیست (اسکانل و گیفورد، ۲۰۱۰). احساس تعلق اجتماعی، مقوله ادراکی است که مردم نسبت به محیط زندگی خود دارند (چیور و پرتی، ۱۹۹). تعلق مکانی به سکونتگاه یا مکان زندگی موجب می‌شود آن مکان به‌نوعی زیست‌بوم روانی-عاطفی یا عاطفه بوم تبدیل شود که تجلی پیوستگی احساس و روان با مکان و فضا است. زیست‌بوم روانی-عاطفی فرصت و مأمونی برای شکل‌گیری روابط عاطفی و تبادل احساس و رفع نیازهای روانی - عاطفی و احساس امنیت و امنیت روانی را به افراد می‌دهد. فردی که به مکانی تعلق

1-social phobia

2- Smith, Frazee& Davison

3- Xiong

اجماعی دارد به بازتولید سرمایه اجتماعی (شریفزاده و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۷۵) و در این فضای سرمایه اجتماعی و احساس تعلق، مجرمان فرصتی برای انجام تخلف از قانون و هنجارهای اجتماعی ندارند، یا آنجا را ترک می‌کنند یا بزه‌ی انجام نمی‌دهند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۸۷). بخشی از شخصیت وجودی انسان که هویت فردی وی را می‌سازد، مکانی است که خود را با آن می‌نشانند و به دیگران معرفی می‌کند (وارثی و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۲۵). تعلق اجتماعی به مکان با عنوانی مثل ریشه‌دار بودن، حس مکان، روانشناسی مکان، دل‌بستگی مکانی، وابستگی مکانی، عواطف اجتماع، حس اجتماع و هویت مکانی اشاره دارد (رولر و پیکولی، ۲۰۱۰). عاطفه هسته اصلی تعلق اجتماعی را شکل می‌دهد (شکوری اصل، ۱۳۹۵، ص ۸۶؛ نقدی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۲۳). با گسترش روزافزون شهرنشینی و توسعه کلان‌شهرها، پدیده‌هایی چون صنعتی شدن، تراکم جمعیت، از میان رفتن حس همسایگی و کاهش روابط خویشاوندی، مهاجرت و حاشیه‌نشینی، نگرانی‌ها و ترس از جرم، افزایش یافته است (پنج‌تنی، ۱۳۹۳، ص ۱۳). اهمیت پرداختن به ترس از جرم به‌واسطه پیامدهایی است که بر کیفیت زندگی اجتماعی می‌گذارد. ظهور اصطلاحاتی از قبیل سیاست‌های ترس، ترس از جرم و ترس از آینده، گواهی بر اهمیت ترس در دنیای کنونی است. ترس و نگرانی از جرم و بزه‌دیدگی یکی از ترس‌هایی است که بسیاری از ساکنان شهرهای بزرگ امروز به‌نوعی با آن درگیرند و بر کیفیت زندگی، سلوک و رفتار آن‌ها تأثیر می‌گذارد (سعادت‌یار و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۴). ترس از وقوع جرم را می‌توان در ارتباط با تجربه واقعی و مورد انتظار از وقوع جرم به دو نوع کلی ترس واقعی و ترس پیش‌بینی شده تقسیم کرد. در ترس واقعی، فرد به‌طور مستقیم قربانی شدن در برابر جرائم را تجربه کرده است، اما در ترس پیش‌بینی شده، تصور احتمال وقوع عملی مجرمانه برای فرد باعث ایجاد ترس می‌شود که ممکن است بر اثر تجارت گذشته دیگران، وجود تهدید واقعی یا غیرواقعی از قربانی شدن باشد (عظیمی، ۱۳۹۴، ص ۲۱). حس تعلق اجتماعی باعث انسجام اجتماعی در برابر وقایع محیطی شده و بسترهای جرائم را کاهش می‌دهد، وجود یک دفاع جمعی از

محیط، تعهد محیطی و داشتن حساسیت به نظم اجتماعی، از ورود و لگردان، معتادان و غریبه‌های ناآشنا ممانعت خواهد کرد. شهر اردبیل به‌مرور حساست جمعی خود را نسبت به محیط از دست‌داده و مملو از مهاجرانی از شهرستان‌های اطراف و دارای حاشیه‌نشین‌های بسیار زیادی است که امنیت شهری را تحت تأثیر قرار داده است، افزایش سرقت، نزاع و درگیری، مزاحمت‌های اخلاقی، اراذل اوباش و کیف‌قاپی، باعث شده است که شهروندان ترس از جرم بیشتری را حس و تجربه کنند، علت مهم این مسئله، فقدان تعلق اجتماعی قوی نسبت به محیط و رهاشدگی آن است. محیط‌هایی که حس تعهد، تعلق و مسئولیت به آن کم باشد، به‌مرور کارایی جمعی خود را از دست می‌دهد و تبدیل به میدانی برای بزهکاران می‌شود و فرصت اخلاقلگری و رفتارهای پرخطر نیز بیشتر می‌شود، در نتیجه امنیت اجتماعی کاهش یافته و ترس از جرم بیشتر می‌شود. با توجه به مباحث فوق، هدف اصلی پژوهش بررسی تأثیر تعلق اجتماعی بر ترس از جرم در شهر اردبیل است.

پیشینه پژوهش

تحقیقات صورت گرفته درباره ترس از جرم که ارتباط با تعلق اجتماعی دارند، در دو بخش ایرانی و خارجی ارائه شده است. در بین پژوهشگران ایرانی، احمدی و افراسیابی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که بی‌نزاکتی، دل‌بستگی به محله، کیفیت محله و درک جرم در محله به شکل معناداری با ترس از جرم رابطه دارند. سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۸)، نشان می‌دهند که بین ترس از جرم و بی‌سازمانی اجتماعی (محلی) رابطه وجود دارد. احمدی و عربی (۱۳۹۰)، نتایج نشان داند که بین متغیرهای سن (۰/۱۵۰)، بعد خانوار (۰/۱۴۲)، طول مدت اقامت در محله (۰/۱۸۲)، رضایت‌مندی از پلیس (۰/۱۵۲)، تعلق خاطر به محله (۰/۱۳۷)، پیوند همسایگی (۰/۱۵۴)، بی‌نظمی اجتماعی (۰/۳۱۶) با ترس از جرم رابطه معنی‌داری داشته است. سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۳)، نشان می‌دهند که رابطه بین کیفیت محله (۰/۳۴)، بی‌نزاکتی (۰/۱۷)، طول اقامت در محله (۰/۵۲)، وضعیت تأهل (۰/۲۹)، نظارت اجتماعی (۰/۳۸)، تکرار

وقوع جرم (۰/۴۷)، بی تفاوتی اجتماعی (۰/۴۶)، اعتماد اجتماعی (۰/۳۳-)، حضور پلیس (۰/۵۶-) و داغ ننگ (۰/۴۱) با ترس از جرم معنادار بوده است. نتایج پژوهش سبزه‌ای و مرادی (۱۳۹۵)، نشان می‌دهد که بین احساس تعلق به محله (۰/۳۳- r^2)، احساس ترس از ناامنی (۰/۲۷ r^2) و باورهای دینی (۰/۴۴- r^2) با ترس از جرم در جامعه رابطه معنادار غیرمستقیم وجود دارد.

الف. جهانی

در سطح جهانی مطالعات لئو و پولسون^۱ (۲۰۱۲)، نشان می‌دهد که هر دو فاکتورهای فردی (سن، جنسیت، محل زندگی، درآمد و سطح تحصیلات) و اجتماعی (اعتماد اجتماعی، ناهمگنی ساکنان، تنوع قومی، ناهمگنی شغلی و منزلتی ساکنان)، برای پیش‌بینی ترس از جرم، مفیدند. لورنس و همکاران^۲ (۲۰۱۳)، نشان می‌دهد که عوامل متعددی در محیط فیزیکی بر روی ترس از جرم، از جمله دید و مشاهده‌پذیری و نشانه‌های بی‌توجهی مدنی تأثیر می‌گذارند. با این حال به نظر می‌رسد، عواملی در محیط اجتماعی محلی، تأثیر بیشتری بر ترس از جرم گذاشته باشد. مهم‌ترین عامل در مدیریت ترس از جرم و جنایت از بعد اجتماعی، شبکه‌های اجتماعی، فامیلی و همسایگی، پیوندهای گروهی، سرمایه اجتماعی، یکدستی ساکنان محله و انسجام اجتماعی هستند.

نقد و نوآوری پژوهش

ترس از جرم از واژه‌های بسیار پرتکرار در بین محققان ایرانی و خارجی بوده است، در ایران در دهه (۹۰) بیشتر مورد توجه بوده است، با جستجوی کلیدواژه ترس از جرم در نورمگز نزدیک به (۱۰۰۰۰) مقاله در این ارتباط یافت شد که در آن ترس از جرم بکار رفته است. این نشان‌دهنده اهمیت مسئله در جامعه است. تحقیقات صورت گرفته، به صورت مجزا به ارتباط تعلق اجتماعی و ترس از جرم پرداخته‌اند. تحقیق فعلی، ضمن الگو گرفتن از اصول پژوهشی مطالعات فوق، با استفاده از مدل نظری جامعه‌شناسان کلاسیک (تونیس)، به تحلیل رابطه بین

1-Liu & Polson

2- Lorenc

تعلق اجتماعی و ترس از جرم پرداخته است.

مبانی و رویکردهای نظری

ترس از جرم: ترس پاسخی است که امکان پرهیز افراد از خطر را فراهم می‌آورد. بسیاری افرادی که از بزه‌دیدگی و خطرهای آن می‌ترسند، برای کاهش ترس خود، فعالیت‌هایشان را کاهش داده یا فعالیت‌های دیگری برای پرهیز از خطر انجام می‌دهند (فیشر و لب، ۱۳۹۵، ص ۵۵۴). ترس از جرم یک پدیده اجتماعی پیچیده و چندلایه است و سنجش و ارزیابی آن محل مناقشه است. ترس از جرم به طیف وسیعی از پاسخ‌های عاطفی و عملی به جرم اطلاق می‌شود که افراد و اجتماعات ممکن است از خود بروز دهند.

تعلق اجتماعی: تعلق اجتماعی، بیانگر اصول جذب اجتماعی است (روجک، ۱۳۹۵، ص ۷۷). حس تعلق اجتماعی از ریشه «communitas» آمده که در لغت به معنای رفاقت و همبستگی است (کرون و هال، ۲۰۰۵). تعلق اجتماعی یعنی ریشه داشتن در محل است (داویدسون و کوتر، ۱۹۸۶). ریشه داشتن در محل به مدرت زمان اقامت فرد در محله یا حق سکونت وی و انتظارات ناشی از آن و همچنین مالکیت خانه بستگی دارد (روگز و همکاران، ۲۰۰۹). مک میلان و چیویس، چهار عنصر نفوذ فرد در گروه و نفوذ گروه بر فرد، مدد رسانی به یکدیگر و تقویت شدن فرد به واسطه برآورد سازی نیازها در گروه، وابستگی احساسی مشترک اعضای گروه را مراحل مهم شکل‌گیری احساس به جامعه می‌داند (۱۹۸۶، ص ۹). تعلق اجتماعی، از چهار مؤلفه علاقه، وفاداری، همبستگی و احساس نزدیکی یا احساس ما بودن تشکیل می‌شود. تعلق اجتماعی از روابط متقابل به هم پیوسته این اجزا به وجود می‌آید (پولینی، ۲۰۰۰، ص ۲۶۳۲). تعلق اجتماعی باعث ایجاد حس منافع مشترک می‌کند و به تقویت مکانیسم نظارتی غیررسمی و رسمی (کنترل اجتماعی نسبت محیط) می‌گردد. حسی که فرد در طی آن احساس متعلق بودن به یک گروه را دارد و در آن اعضا احساس می‌کند که برای یکدیگر و برای گروه مهم‌اند. حس تعلق اجتماعی سبب ایجاد این باور مشترک در بین اعضا گروه می‌شود که

نیازهای آن از طریق تعهد به یکدیگر برآورد می‌شود. افرادی که حس تعلق اجتماعی بیشتری در محل زندگی خود دارند، برای مقابله با جرم و جنایت، آمادگی بیشتری نشان می‌دهند (آستین و همکاران، ۲۰۰۲). تعلق اجتماعی، شامل چهار بعد وابستگی مکانی، هویت مکانی، عواطف مکانی و پیوند اجتماعی در مکان است (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۴). حس تعلق اجتماعی، باعث می‌شود که سرمایه اجتماعی شکل گیرد. این سرمایه شامل پیوند اجتماعی را جمله تعداد ارجاعات همسایه به یکدیگر مثل امانت گرفت ابزار و لوازم، نگهداری از بچه، ملاقات غیررسمی، درخواست‌های کمک در مواقع اضطراری است (چاویس و وندرسمن، ۱۹۹۰). تعلق خاطر به مکان، پناهگاهی است که انسان را از تعلیق رهایی می‌بخشد (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹، ص ۱۴) و میان انسان و محیط برقرار می‌کند و وحدت به وجود می‌آورد (شکویی، ۱۳۸۶). در نتیجه مکان دارای سلسله مراتبی از بی‌تفاوتی نسبت به مکان تا فداکاری نسبت به مکان است (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۵۷). این حس، یک افق زمانی از گذشته (خاطرات) تا آینده (رؤیاهای، آرزوها و نگرانی) را شامل می‌شود که به مکان دوستی منجر می‌شود و باعث پیوند بین انسان با محیط می‌شود (توکلی و موسوی، ۱۳۸۸، ص ۱۶۲).

گونه‌های تعلق اجتماعی

- **هویت محلی:** همان هویت مکانی است که بر این اساس این ایده، هویت مکانی همانند سایر گونه‌های هویت، به این سؤال که من کیستم؟ از طریق تأکید بر من کجا هستم؟ یا من به کجا تعلق دارم پاسخ می‌دهد (قاسمی، ۱۳۸۳).
- **هویت مکانی:** نوعی دل‌بستگی احساسی به مکان است (واسکه و کوربین، ۲۰۰۱). هویت مکان بر اساس عناصر نمایان، عامل زمان، نوع تجارب کسب‌شده در مکان، دستاوردهای حسی و روان‌شناختی فرد در رابطه با مکان، خاطرات، گذشته مکانی فرد، ابعاد بومی و محلی، کیفیت مکان و کسب تجارب خاص در آن شکل می‌گیرد (دانشپور و همکاران، ۱۳۸۸).

- **انسجام محله‌ای:** انسجام محله جزئی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بوده و نشانگر میزان پیوستگی، شدت ارتباط، همدردی، وفاداری، امانت‌داری و ایجاد تعهد عاطفی نسبت به همدیگر، محیط و همسایگان است. انسجام اجتماعی در محله، با ایجاد شبکه‌های پیوندی بین ساکنان، آن‌ها را نسبت به محله، متعهد نموده و بی‌تفاوتی جمعی به حساسیت جمعی تبدیل می‌سازد.

- **اعتماد محله‌ای:** اعتماد از ارکان اصلی روابط اجتماعی و زیست جمعی دلبپذیر است تا اعتماد نباشد، توسعه‌ای رخ نمی‌دهد، اجتماعی نیز شکل نمی‌گیرد، مشکلات اجتماعی ضمن اینکه حل نمی‌شود، به دلیل وضعیت آنارشیستی جامعه، مسائل اجتماعی و ناامنی گریبان‌گیر جامعه می‌گردد، اعتماد محله‌ای به یقین و ایمان داشتن نسبت به همدیگر، رواج صداقت، راست‌گویی، شفافیت و امانت‌دار بودن نسبت به همدیگر در شرایط مختلف است. هرچه اعتماد محله‌ای قوی‌تر، میزان ترس از جرم نیز کمتر خواهد بود.

- **مشارکت محله‌ای:** مشارکت محله‌ای به فعالیت، نقش‌آفرینی، جدیت در امور محله و همکاری جمعی اعضای مجتمع مسکونی، واحدهای تجاری و غیرتجاری محله در راستای اهداف محیط است. همکاری درباره سیاست‌گذاری امور محله و تأمین امنیت آن بستگی به میزان مشارکت ساکنان آن دارد، هرچه سطح مشارکت محله‌ای بیشتر باشد، به همان اندازه احساس امنیت افزایش و سطح ترس از جرم کاهش می‌یابد.

- **شناخت اجتماعی محله‌ای:** شناخت اجتماعی به معنای آگاهی تاریخی، جغرافیایی و عمومی از محیط است، میزان دانش فرد درباره سابقه سکونت همدیگر، آثار تاریخی، مشاهیر جامعه، وجود نهادهای محلی و وضعیت طبقاتی اعضای محله، حاکی از شناخت اجتماعی است. هرچه شناخت اجتماعی فرد نسبت به محیط خود بیشتر، نشان از تعلق اجتماعی بالاتر است.

نظریه فردیناند تونیس:

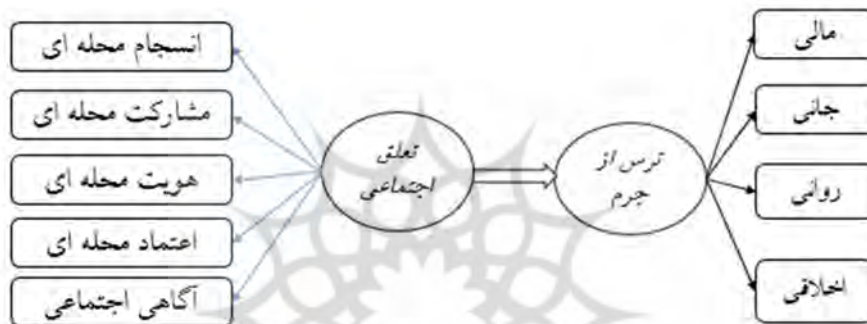
این پژوهش برای تحلیل رابطه بین تعلق اجتماعی و ترس از جرم، به نظریه گذار اجتماعی فردیناند تونیس اشاره کرده است. آگوست کنت، الگوبندی جوامع به صورت خطی (ربانی، فلسفی و علمی)؛ دورکیم جامعه مکانیکی و ارگانیکی، اسپنسر جامعه صنعتی و ماقبل صنعتی و سرانجام تونیس به گمانشافت و گزلفافت را در آثار خود نمایان ساختند. امیل دورکیم در تقسیم کار اجتماعی، از جامعه مکانیکی (سطح تعلق اجتماعی بالا) و ارگانیکی (سطح تعلق اجتماعی پایین) بحث کرده است. تونیس نیز به تاسی از دورکیم، درباره روابط اجتماعی در دو قالب سنتی و مدرن و پیامدهای آن پرداخته است. جامعه و روابط اجتماعی، دو شکل بنیادین اجتماع^۱ (گماینشافت^۲) و جامعه^۳ (گزلشافت^۴) دارد. مورد اولی، شبیه اجتماعی است که دورکیم آن‌ها را جوامع متکی بر مناسبات مکانیکی می‌داند. مورد دوم هم عبارت است از نوعی گرد هم آیی که به منظور تحقق هدف معین، به وسیله افرادی با تأثیرات متقابل و اراده‌های فردی تشکیل یافته است که دورکیم آن‌ها را جوامع متکی بر همبستگی ارگانیکی نامیده است (ساعی ارسی و نیک نژاد، ۱۳۸۵، ص ۹۸). در نگاه تونیس، گماینشافت بر یکپارچگی اخلاقی، ریشه دار بودن، برادری، همدلی، صمیمیت، عشق، دوستی، مهین پرستی دلالت دارد. تمرکز اصلی گماینشافت بر سرمایه اجتماعی (تعلق اجتماعی قوی محلی) است. گماینشافت، وفاداری، تعهد و خویش‌تن‌پذیری، تمام فضایل و منافع مشارکت همگرایانه را در گروه‌های منسجم ستایش می‌کند (مدنی قهفرخی، ۱۳۹۶، ص ۸۵). در جوامع نوع گزلفافتی آنچه باعث انسجام و همبستگی می‌شود جنبه سودزایی دارد، به این صورت که تمام روابط در گزلفافت بر اساس خدمات ممکن و مورد عرضه قرار دارد، واضح است که روابط ناظر بر امور مشهود و مادی مرجح است و کارهای مجرد و کلمات محض، تنها به شیوه‌ای غیرواقعی است که مبنای چنین مناسباتی را تشکیل می‌دهند (آبراهامز^۵، ۱۳۶۳، ص ۴۳۳).

1- Community
2- Gemeinschaft
3- Society
4- Gesellschaft
5- Abrahams

وی با تیپ‌سازی جوامع به گماینشافت و گزلفشافت، دو نوع حس وفاداری را به‌کل شرح داده است. در گماینشافت، احساس تعلق اجتماعی بر اساس اشتراک اجتماعی است، فرد احساس عاطفی با جامعه برقرار می‌سازد و بر اساس این احساس عاطفی به ما بودن تعهد عمیق‌تری پیدا می‌کند. این نوع حس وفاداری، حس وفاداری غیرمشروط است. فرد بدون هیچ قید و شرطی و در شرایطی که ممکن است تمتع اندکی از جامعه داشته باشد، وفاداری و حس تعلق خود را به حفظ و تقویت می‌کند، اما در جامعه دومی، حس وفاداری از نوع وفاداری مشروط و به‌جای حس ما، حس من غلبه دارد. تعهد عقلانی و محاسبه‌شده است، احساس وفاداری به خردگرایی پیوند دارد. فرد به جامعه احساس تعلق دارد به‌شرط آنکه جامعه و نهادهای آن بتوانند نیازهایش را برطرف کنند. فرد و اهداف فردی مهم و جامعه و نهادهای آن در خدمت فرد قرار می‌گیرد (شارون، ۱۳۸۵، ص ۹۴). اجتماع تصویری است از اجتماع یکپارچه و مبتنی بر خویشاوندی، دوستی و همسایگی با روابط نزدیک و صمیمانه و پایدار و همه‌جانبه (پیوستگی عاطفی وزندگی سالم) و نقطه مقابل آن، جامعه است که نمادی از پیوندهای غیرشخصی، گمنام، قراردادی و غیر عاطفی مختص جامعه مدرن (گمنامی، انزوا و بیگانگی) است (آتوبت و باتامور، ۱۳۹۳، ص ۳۳). اجتماع نشان‌دهنده روابط نزدیک و منسجمی است که در خانواده، محل و سنت ریشه دارد و جامعه دال بر روابطی کاملاً اقتصادی، قراردادی، سست، غیرشخصی، عموماً شهری، فردگرایانه و موقتی است. به این معنی که جامعه مدرن را بحرانی فراگرفته که ناشی از جابجایی در حال گسترش پیوندهای اجتماعی سنتی و قدیمی با پیوندهای غیرشخصی و تکه‌تکه صنعت، شهر، دموکراسی توده‌ای و فردگرایی دنیوی بود. گرام والاس در کتاب جامعه بزرگ، تفاوت میان اجتماع و جامعه بزرگ را با رشک و حسرت زیادی ترسیم می‌کند که حاکی از این است که جامعه بزرگ‌ها فروپاشی اجتماعی یا زوال را در بطن خود حمل می‌کند، چون فاقد پیوندهای اجتماعی عمیق و صمیمانه است (همان، ص ۲۹۳). در حقیقت سنخ‌شناسی وی، دو نوع نظام همسایگی را به تصویر می‌کشد. گماینشافت، اجتماع محلی سنتی را تشریح می‌کند که در مکان‌های خاص ریشه‌دارند و افراد در آن‌ها از

طریق خون و تاریخ با یکدیگر پیوند خورده‌اند. در مقابل گزلفافت، اشاره به جوامع مدرنی دارد که عقلانیت، پول، سود، تجارت و روابط موقت اجتماعی جای روابط پایدار محلی، همسایگی، اعتماد و احترام را گرفته است. هرچه جامعه شبیه به جهان گزلفافتی باشد، سطح تعلق اجتماعی پایین‌تر و میزان ترس از جرم نیز بیشتر خواهد بود. بر این اساس مدل نظری پژوهش به شرح زیر ترسیم شده است.

مدل نظری پژوهش



شکل شماره (۱). مدل نظری پژوهش.

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه پژوهش بر اساس الگوی نظری فردیناند تونیس به شرح زیر است:

۱. فرضیه اصلی:

- بین تعلق اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.

۲. فرضیه فرعی:

- بین اعتماد محله‌ای و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- بین انسجام محله‌ای و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- بین هویت محله‌ای و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین مشارکت محله‌ای و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- بین آگاهی اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پیمایش، مقطعی و ابزار آن پرسشنامه محقق ساخته است. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار «سمپل پو» برابر با (۲۷۸) نفر انتخاب و به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی در بین شهروندان توزیع شده است. یافته‌های پژوهش از نرم‌افزار «اس‌پی‌اس‌اس ۲۳»^۱ برای آمارهای توصیفی (فراوانی مطلق، درصد فراوانی، میانگین، انحراف معیار، دامنه تغییرات) و استنباطی (t-test و One Way Anova و ضریب همبستگی r پیرسون) استفاده شده است. در قسمت بعدی از نرم‌افزار Smart-PLS برای تجزیه و تحلیل اثرات مستقیم بهره گرفته شده است. اعتبار و پایایی پژوهش در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول شماره (۱). اعتبار و پایایی ابزار اندازه‌گیری.

شاخص	AVE	پایایی	پایایی ترکیبی
متغیر وابسته			
بعد مالی ترس از جرم	۰/۴۸۹	۰/۸۲۹	۰/۸۳۵
بعد جانی ترس از جرم	۰/۵۶۳	۰/۹۰۶	۰/۹۱۰
روانی ترس از جرم	۰/۷۴۱	۰/۹۳۵	۰/۹۳۸
اخلاقی ترس از جرم	۰/۴۹۳	۰/۸۵۶	۰/۸۴۷
متغیرهای مستقل			
اعتماد محله‌ای	۰/۵۴۶	۰/۷۶۲	۰/۷۹۳
انسجام محله‌ای	۰/۴۶۹	۰/۸۱۴	۰/۸۴۵
هویت محله‌ای	۰/۴۹۶	۰/۷۷۲	۰/۸۲۶
مشارکت محله‌ای	۰/۵۰۲	۰/۸۶۱	۰/۹۱۳
آگاهی اجتماعی	۰/۴۴۸	۰/۸۱۶	۰/۸۴۷

تعاریف مفهومی و عملیاتی

ترس از جرم: ترس از جرم اشاره به نگرانی اجتماعی فرد نسبت به (خود، اعضای خویشاوند، دوستان و آشنایان) در برابر تهدید و قربانی شدن توسط سارقان، افراد شرور و اراذل و اوباش دارد. ترس از جرم، در این پژوهش، با توجه ارتباط آن با جرائم، در چهار بعد ۱- مالی، ۲- جانی، ۳- روانی و ۴- اخلاقی در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است (عشایری، ۱۳۹۷).

جدول شماره (۲). گویه سنجش ترس از جرم.

شاخص ترس از جرم (آلفای کرونباخ: ۰٫۷۵۶)
نامنی مالی (آلفای کرونباخ: ۰٫۷۷۶)
۱. همراه داشتن عابر بانک و کارت‌های اعتباری؛ ۲. سرقت کیف پول و اشیای قیمتی به هنگام قدم زدن در خیابان و محله؛ ۳. زورگیری و اخاذی در پارک، خیابان و محله؛ ۴. رها کردن اتومبیل در خیابان بدون قفل و دزدگیر؛ ۵. خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز؛ ۶. ارائه شماره حساب بانکی به دیگران از طریق اینترنت؛ ۷. دادن تلفن همراه به دیگران در هنگام درخواست؛ ۸. پذیرفتن چک در معاملات؛ ۹. باز بودن مغازه تا دیروقت؛ ۱۰. سپردن سرمایه به فرد دیگری برای سرمایه‌گذاری
نامنی جانی (آلفای کرونباخ: ۰٫۷۶۲)
۱. حمله مسلحانه افراد (با اسلحه یا چاقو)؛ ۲. قدم زدن در مسیرهای خلوت به تنهایی؛ ۳. درگیری و نزاع خیابانی با غریبه‌ها؛ ۴. تحت تعقیب و مزاحمت قرار گرفتن توسط افراد ناشناس؛ ۵. به‌تنهایی در منزل ماندن به هنگام شب؛ ۶. تردد با مسافرکش شخصی در شب؛ ۷. قدم زدن و تردد در ساعات پایانی شب به‌تنهایی؛ ۸. تهدید و قربانی افراد غریبه و اشرار شدن
نامنی روانی (آلفای کرونباخ: ۰٫۷۵۴)
۱. تشویش و نگرانی نسبت به دور شدن فرزندان از محله؛ ۲. عدم آرامش روحی و فکری نسبت به مسائل روزمره و اتفاقات پیرامون؛ ۳. نبود امنیت و آرامش در محل زندگی؛ ۴. داشتن نگرانی فکری و احساس دلهره درباره امنیت خود و خانواده؛ ۵. ترس از ربودن شدن کودکان؛ ۶. عدم تمایل به ایجاد ارتباط با افراد غریبه و ناشناس در صورت درخواست کمک
نامنی اخلاقی (آلفای کرونباخ: ۰٫۷۸۲)
۱. شنیدن متلک و طعنه (هتک حرمت)؛ ۲. تماس بدنی و تنه زدن عمدی؛ ۳. دریافت تصاویر غیراخلاقی؛ ۴. بیرون رفتن زنان و دختران از منزل به‌تنهایی؛ ۵. نگاه‌های نامناسب نسبت به زنان؛ ۶. شنیدن الفاظ رکیک، ناشایست و ناسزا؛ ۷. مزاحمت قرار گرفتن در اماکن عمومی؛ ۸. دریافت پیشنهادهای غیراخلاقی در شبکه‌های مجازی؛ ۹. دریافت پیشنهادهای غیراخلاقی از طرف موتورسواران، راننده‌های شخصی

تعلق اجتماعی به محله: محله یک واحد اجتماعی و محل اجتماع سهمی از جمعیت به‌منظور سکونت و زندگی است. اجتماع به مفهوم گروهی است که

دارای وجوه مشترک هستند (فالیکو، ۱۳۸۹، ص ۴۶). در تعریف محله مهم‌ترین، عامل اشتراکات اجتماعی و فرهنگی ساکنان است (معصومی، ۱۳۹۰، ص ۱۵). محله، بزرگ‌ترین و درعین‌حال صمیمی‌ترین گروه اجتماعی در یک جامعه شهری است، اندازه محیط اجتماعی، اشتراک در محل اقامت و کیفیت روابط اجتماعی از عناصر مهم در تعریف محله محسوب می‌شود (فیشر، ۱۹۷۶، ص ۱۰۲). محله عبارت از فضایی که بخش مهمی از کار، زندگی و تجارت شهروندان در آن انجام می‌شود. محله سازمان اجتماعی مهمی برای شناخت سریع افراد و تجهیز اجتماعی آن‌ها برای فعال کردن توسعه یا دفاع از حقوقی است که بیشتر شامل انرژی و ماده در حوزه فرهنگ، اقتصاد و زندگی اجتماعی است. پس محله نهادی است که از طریق آن تعامل مؤثر فردی یا جمعی ایجاد می‌شود (کوک، ۱۹۸۱، ص ۱۲). آنچه در محله، در ارتباط با مسئله جرائم ارتباط پیدا می‌کند، امر تعلق اجتماعی، است. مهم‌ترین عنصر محله، احساس تعلق اجتماعی است. فرایندی که طی آن احساس مسئولیت افزایش یافته و مشارکت در راستای مبارزه با جرائم تحقق می‌پذیرد (ناطق‌پور، ۱۳۸۳). وضعیت پیوند محله‌ای شهروندان را با سنجه‌های صمیمیت، اعتماد، همکاری، دریافت حمایت و احساس تعلق به محله نشان می‌دهند. محله، یک اجتماع کوچک طبیعی است که برای برقراری شدن روابط اجتماعی، محیط بسیار مساعدی را به وجود آورد است. خصوصیات محله برحسب سطح زندگی اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کم‌وبیش صورت و شکل دقیقی به خود می‌گیرد. به اعتقاد او، قدرت هر محله، تابع تجانس ساکنان آن است. همسانی و شباهت در نوع زندگی موجب شناسایی، متقابل افراد و احساس تعلق به گروه معینی می‌شود. پارک، محله را به‌عنوان یک شبکه اجتماعی تعریف می‌کند محله یک هویت اجتماعی مکانی است، قلمروی که دارای محدودیت‌های مشخص شناخته‌شده توسط ساکنان آن است (قاسمی و نگینی، ۱۳۸۹). حس تعلق محله‌ای نوعی، داشتن گرایش و احساس خوب و مثبت نسبت به محله است. تعلق اجتماعی به محله دارای چهار بعد کلی است، ص

- **انسجام محله‌ای:** انسجام محله‌ای، مبین احساسی تعلق است که افراد نسبت به محله مسکونی و زندگی خود دارند (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰). این امر از آن جهت اهمیت دارد که عمل جمعی را برای مبارزه با ناامنی محیطی تسهیل می‌کند. دل‌بستگی همان احساسات انسانی درباره مکان است. انسجام محله‌ای، سازه‌ای احساساتی به مکان است. انسجام محله‌ای، شامل پیوندی عاطفی است. پیوندهای عاطفی شاید احساسی‌ترین و روان‌شناختی مؤلفه در بین چهار مؤلفه حس تعلق محله‌ای باشد. پیوند عاطفی باعث اتصال فرد به اجتماع محله‌ای و محیط اطراف خود می‌شود و این اتصال و یگانگی به کنش‌های او معنا می‌دهد. این مؤلفه بیان می‌دارد که اگر فردی محله‌ای که در آن زندگی می‌کند، به لحاظ عاطفی دوست داشته باشد؛ آمادگی بیشتری برای مشارکت در امور محله، خواهد داشت (زمردیان، ۱۳۹۱). انسجام محله‌ای به محله مسکونی، مبین احساس درونی مثبت افراد نسبت به محله مسکونی است که از پیوندهای عاطفی، شناختی و رفتاری با مکان زندگی ناشی می‌شود و باعث تعهد ساکنان به محل سکونت و تمایلشان به حفظ رابطه با آن در طول زمان و در مراحل مختلف زندگی می‌گردد.

- **مشارکت محلی:** تمایل ساکنین به مشارکت در امور محله، تمایل ساکنین به عضویت در امور محله، تمایل به مشارکت در جلسات و نشست‌های محله‌ای، احساس نزدیکی به هم‌محله‌ای، احساس نزدیکی به همسایه‌ها، مشارکت در انجمن‌های محلی، (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۲). مشارکت در یک اجتماع محلی از حساس شدن آغاز می‌شود که نخستین پله مشارکت است. پله بعدی آگاه شدن و دانستن است. در صورتی که مردم در جامعه محلی از اتفاقات اجتماع با خیر باشند، در جلسات گروهی شرکت و نظرات خود را مطرح می‌کنند. بر اولویت‌های محلی تأکید بیشتری می‌کنند

- **هویت محله‌ای:** هویت، احساسات کلی نسبت به اجتماع را نشان می‌دهد. هویت محله‌ای شامل آن ابعادی از خود است که هویت شخصی را در

ارتباط با محیط فیزیکی تعریف و مشخص می‌کند (دروسلتیس و ویگنولس، ۲۰۱۰، ص ۲۳). هویت محله‌ای به این سؤال که من کیستم؟ از طریق تأکید بر «من کجا هستم؟» یا «من به کجا تعلق دارم؟» پاسخ می‌دهد (گراف، ۲۰۰۸، ص ۳۹). هویت، احساس چه کسی بودن است که حاصل یک‌عمر تجربه در زندگی فرد است. از بعد اجتماعی هویت از معیارهای اجتماعی، ادب و رسوم و تحولات اجتماعی و فرهنگی تشکیل یافته است. در بعدی فردی یعنی هر فرد بر مبنای تجربیات خاص از خود از محیطی که به آن دل‌بسته شده یک داستان زندگی دارد (پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۲). هویت محله‌ای به معنای احساسات یا عواطفی است که مردم درباره یک مکان خاص پیدا می‌کنند (لیوینگستون و همکاران، ۲۰۰۸، ص ۱۲). هویت محلی، نوعی حس مشترکی از تاریخ مشترک از اجتماع است که خود را ترکیبی از غرور و تعهد به بهبود وضعیت محله نشان می‌دهد. هویت، قدرت مولدی است که می‌تواند مکانی را ایجاد یا از بین ببرد. هویت محله‌ای بازتابی از ارزش‌ها، تجارب فردی و جمعی است. شعف هویت محله‌ای، در یک سکونت اجتماعی، منجر به انقطاع و عدم شکل‌گیری ریشه‌های اتصال و ارتباط ساکنین با محیط و با یکدیگر می‌گردد. بی‌هویت محلی منجر به مسئولیت‌گریزی، بی‌تفاوتی و دل‌زدگی نسبت به محیط شده و باعث رواج بی‌تفاوتی نسبت به وضعیت محله می‌گردد.

- **شناخت و آگاهی اجتماعی:** شناخت و آگاهی اجتماعی از محله به مفهوم، دانش تاریخی، جغرافیایی و نهادی فرد از محله است. هرچه افراد شناخت بیشتری به نسبت به مؤلفه محله خود داشته باشند، به همان اندازه مکانیسم‌های برون از مواجهه به ترس از جرم و قربانی شدن را یاد می‌گیرند. افرادی که شناختی مبهم نسبت به محلات زندگی خود دارند به احتمال ترس بیشتری را داشته و بیم‌نگرانی بیشتری را تجربه خواهند. آگاهی و شناخت به محله دارای سه مؤلفه اساسی است:

الف. محیط جغرافیایی: شامل محدود جغرافیایی است که در بعد اجتماعی نسبت که در بعد اجتماعی به یک قلمرو نسبتاً تمایز نشده و خارج از معانی فردی اطلاق می‌شود. رد صورتی که همین محیط در بعد فردی تبدیل به مکانی می‌شود که از معنای شخصی برخوردار است (پیوسته‌گر و همکاران، ۱۳۹۲).

ب. نهادی محله‌ای: نهادها و اجتماعات محلی، غالباً تشکل‌های غیررسمی هستند و بر مبنای مقررات نانوشته و مأخوذ از سنت و فرهنگ شکل می‌گیرند و پیشروان و ریش‌سفیدان محلی در تشکل آن‌ها حائز اهمیت ویژه‌اند.

ج. گذشته تاریخی: شهر با خاطره‌هایش تعریف می‌شود. هر چه این خاطره‌ها بیشتر باشد هویت انسان یا شهر کامل‌تر می‌گردد. خاطره باعث می‌شود فرد یا شهر در حال زندگی کند و غم گذشته و تشویش آینده را نداشته باشد. گذشته تاریخی محله به این معنی است که فرد مشخص کند که در هر مکان چه اتفاقی رخ داده است؟ و چه اندازه از آثار تاریخی، اجتماعی آن محل اطلاع دارد.

جدول شماره (۳). گویه سنجش ابعاد تعلق اجتماعی

شاخص ابعاد تعلق اجتماعی (آلفای کرونباخ: ۰٫۷۲۳)
انسجام محله‌ای (آلفای کرونباخ: ۰٫۶۸۲)
<p>۱. در سطح محله یکدیگر را می‌شناسیم. ۲. گاهی درباره مشکلات محله باهم گفتگو می‌کنیم. ۳. اعضای محله احساس می‌کنیم به یکدیگر وابسته‌ایم. ۴. افراد محله هم‌دیگر را دوست دارند. ۵. مراقب هم‌دیگر هستیم. ۶. اعضای در مواقع ضروری به یکدیگر کمک می‌کنند. ۷. در مصیبت‌ها یکدیگر را تسلی می‌دهیم. ۸. خودمان را اعضای این محله می‌دانیم. ۹. محله را مثل خانواده خود می‌دانیم. ۱۰. عقاید و نظرات خود را باهم در میان می‌گذاریم. ۱۱. اغلب در قبال محله خود احساس تعهد می‌کنم. ۱۲. در برابر افراد محله خود احساس مسئولیت زیادی دارم. ۱۳. بین افراد محله روابط گرم و صمیمی وجود دارد. ۱۴. آن‌طور که باید و شاید به محله خود دل‌بستگی ندارم. ۱۵. آدم نباید به دلیل تعهد به افراد محله از کار و زندگی خود دل‌بکند.</p>
هویت محله‌ای (آلفای کرونباخ: ۰٫۷۲۴)
<p>۱. به ادامه سکونت در این محله تمایل زیادی دارم. ۲. هر جایی باشم، به عضو این محل بودن خودم افتخار می‌کنم. ۳. زندگی در این محله را به زندگی در هر جای دیگر شهر ترجیح می‌دهم. ۴. برای بهتر شدن محله‌ام، حاضر هر کاری از دستم بر بیاید، انجام دهم. ۵. توهین به اعضای این محله را به هیچ وجه تحمل نمی‌کنم. ۶. در اجتماع هم‌محلی‌های خودم، احساس راحتی می‌کنم. ۷. در هر وضعیتی حاضر</p>

نیستم پیوند خود را با افراد این محل از دست بدهم. ۸. در همه حال، به محله خود عشق می‌ورزم. ۹. افتخار می‌کنم که اعضای خانواده‌ام در این محل زندگی می‌کنند.

مشارکت محلی (آلفای کرونباخ: ۰.۷۸۹)

۱. در تصمیم‌گیری‌های محله شرکت می‌کنیم. ۲. آماده هستیم تا نهادهای محله مانند سرای محله، نگهبان محله و کانون محله همکاری داشته باشیم. ۳. برای داشتن محله‌ای بهتر و امن‌تر، باید به همکاری با دیگران و به صورت جمعی کار کرد. ۴. در مراسم عزاداری و جشن‌های اعضای محله شرکت می‌کنیم. ۵. در کارهای گروهی محله نظیر نظافت، دور کردن معتادان، گدا و لایبالی همکاری می‌کنیم. ۶. اعضای محله در برقراری و تأمین امنیت و آرامش محله باهم همکاری می‌کنند.

اعتماد محله‌ای (آلفای کرونباخ: ۰.۷۶۸)

۱. به یکدیگر در محلات اعتماد می‌کنیم. ۲. به همسایگان محله خود اعتماد دارم. ۳. به مدیریت محله و اعضای آن اعتماد دارم. ۴. می‌توانم در صورت نیاز به نهادهای محلی (مغازه، ادارات دولتی و غیره) اعتماد کنم. ۵. در صورتی که یکی از اعضای محله، درخواست ضامن بانکی بکند، آن را قبول می‌کنم. ۶. مردم محله روی هم‌رفته با همدیگر صادق و روراست هستند. ۷. می‌توان به ساکنان مجموعه مسکونی و محله که در آن زندگی می‌کنند، اعتماد کرد.

آگاهی اجتماعی (آلفای کرونباخ: ۰.۵۶۷)

۱. محیط جغرافیایی (چه اندازه محیط جغرافیایی محله خود (کوچه، خیابان‌ها و میدان‌ها) را می‌شناسید؟ تا چه اندازه از مکان‌هایی جرم‌خیز (محله، کوچه، خیابان و غیره) مطلع هستید؟ تا چه میزان در صورت به یکی از افرادی که از شما آدرس دقیق محله‌ها را می‌پرسید با اطمینان کامل کمک کنید؟). ۲. نهادهای محله‌ای (تا چه اندازه از فعالیت نهادهای محله‌ای از قبیل سرای محله، نگهبان محله، پلیس محله، هیئت‌امنا و غیره در جهت امنیت محله اطلاع دارید؟). ۳. گذشته تاریخی (تا چه اندازه از گذشته محله خود اطلاع دارید؟ چه اندازه از اماکن تاریخی، مذهبی و مشاهیر محله خود اطلاع دارید؟ تا چه اندازه از سابقه سکونت هم‌محلی‌های خود به‌طور کلی اطلاع دارید؟)

یافته‌های پژوهش

یافته‌های پژوهش، دارای دو بخش توصیفی و استنباطی هستند.

۱. توصیفی

- (۵۴/۷) درصد، معادل (۱۵۷) نفر از پاسخگویان را مردان و (۴۵/۳) درصد،

معادل (۱۳۰) نفر از آنان را زنان تشکیل می‌دهند.

- بیشترین پاسخگویان به ساکنین منطقه یک شهرداری با (۲۷) درصد،

منطقه سه با (۲۶) درصد، منطقه دو با (۲۴) درصد و منطقه چهار با

- (۲۱) درصد اختصاص داشته است و کمترین تعداد پاسخگویان، ساکن منطقه چهار شهرداری با (۲۱) درصد بوده است.
- (۳۳/۱) درصد از نمونه مورد مطالعه، مجرد، (۵۸/۲) درصد متأهل و (۵/۹) درصد مطلقه و (۲/۸) درصد همسر فوت شده بوده است.
- (۲۸/۹۸) درصد پاسخگویان را کارمند، (۳۰/۴۳) درصد را کارگر، (۱۵/۴۹) درصد را خانه دار، (۱۸/۸۴) درصد را شاغلین آزاد و (۶/۲۶) درصد را نیز دارندگان سایر مشاغل تشکیل داده اند.
- (۲۹/۳) درصد پاسخگویان زیر دو میلیون، (۴۴/۹) درصد بین دو میلیون تا سه میلیون، (۱۵/۷) درصد بین چهار میلیون تا پنج میلیون و (۶/۳) درصد بیش از پنج میلیون درآمد دارند.
- نوع سکونت (۳۴/۵) درصد پاسخگویان ملکی، (۳۸/۷) درصد استیجاری/رهن و (۲۶/۸) درصد خانه پدری هستند.
- محل تولد (۲۴/۴) درصد پاسخگویان روستا و (۷۵/۶) درصد شهر هستند.
- (۲۰/۹) درصد پاسخگویان دارای تحصیلات بی سواد/ ابتدایی، (۲۳/۳) راهنمایی، (۲۰/۶) دیپلم، (۱۷/۱) فوق دیپلم، (۷/۷) لیسانس و (۱۰/۵) فوق لیسانس و دکتری است.
- میانگین سن پاسخگویان مورد مطالعه، (۳۱/۶۸) سال بوده است، در این میان کمترین سن (۱۵) سال و بالاترین آن (۵۸) سال است، همچنین بیشتر افراد مورد مطالعه (۳۵/۵) درصد، در گروه سنی (۲۶-۳۶) سال قرار داشته است.
- توزیع پراکندگی کلی متغیرهای پژوهش**
- نتایج نشان می دهد که میانگین ترس از جرم (۵۷/۷۲) و تعلق اجتماعی برابر با (۱۸/۸۷) است. همچنین توزیع طبقات سه گانه در ترس از جرم و تعلق اجتماعی به ترتیب بالا (۱۵/۳ و ۱۹/۲)، متوسط (۴۴/۲ و ۶۵/۵) و پایین (۱۵/۳ و ۴۰/۵) است.

جدول شماره (۴). توزیع پراکندگی کلی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	طبقات		
			بالا	متوسط	پایین
			فراوانی درصد	فراوانی درصد	فراوانی درصد
ترس از جرم	۵۷/۷۲	۱۲/۶۲	۵۵	۱۹/۲	۱۸۸
تعلق اجتماعی	۱۸/۸۷	۹/۳۲	۴۴	۱۵/۳	۱۲۷

۲. استنباطی

در این جدول به نتایج آزمون پیرسون اشاره شده است.

جدول شماره (۵). نتایج ضریب همبستگی پژوهش

متغیر	مقدار ضریب	جانی	مالی	روانی	اخلاقی	کل
انسجام محلی	ضریب همبستگی	-۰/۱۵۳	-۰/۲۱۹	-۰/۲۴۷	-۰/۲۶۹	-۰/۲۹۱
	معنی داری	۰	۰	۰	۰	۰
مشارکت محلی	ضریب همبستگی	-۰/۳۹۱	-۰/۳۹۱	-۰/۳۲۹	-۰/۱۲۹	-۰/۴۴۸
	معنی داری	۰	۰	۰	۰/۰۳۴	۰
هویت محله‌ای	ضریب همبستگی	-۰/۲۱۴	-۰/۱۳۴	-۰/۲۳۸	-۰/۱۱۷	-۰/۳۴۱
	معنی داری	۰/۰۰۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۳	۰/۰۰۳
آگاهی اجتماعی	ضریب همبستگی	-۰/۱۸۳	-۰/۱۳۴	-۰/۴۰۱	-۰/۱۵۸	-۰/۲۰۱
	معنی داری	۰/۰۰۵	۰/۰۰۱	۰/۰۲۳	۰	۰/۰۰۱
اعتماد محلی	ضریب همبستگی	-۰/۲۸۱	-۰/۱۹۳	-۰/۱۸۷	-۰/۲۰۸	-۰/۳۳
	معنی داری	۰	۰	۰	۰/۰۳۴	۰
تعلق اجتماعی (کل)	ضریب همبستگی	-۰/۲۸۵	-۰/۳۶۲	-۰/۳۵	-۰/۲۹۴	-۰/۲۷
	معنی داری	۰	۰	۰	۰	۰

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که:

- بین تعلق اجتماعی و ترس از جرم رابطه معنی‌داری وجود دارد. مقدار این رابطه برابر با (-۰/۲۷) است، هرچه سطح تعلق اجتماعی در بین ساکنان، گروه‌های شغلی، طبقات اجتماعی و سطح کلی اجتماع، بیشتر باشد، به همان میزان احساس امنیت، آرامش، ثبات ذهنی افزایش یافته و ترس از جرم (احساس ناامنی در برابر وقایع محیطی)، کاهش خواهد. بر این اساس احساس تعلق به محیط، محل زندگی، جامعه به‌طور کلی، احساس امنیت، آرامش و ثبات ذهنی را در اثر تقویت سرمایه اجتماعی،

شبکه‌های محلی و افزایش طول مدت آشنایی ساکنان افزایش می‌دهد و بسترهای شکل‌گیری ترس از جرم و قربانی شدن را از بین می‌برد.

- با افزایش انسجام محلی (۰/۲۹-)، سطح ترس از جرم در بین ساکنان کاهش می‌یابد، هرچه میزان انسجام محلی افزایش یابد، به همان اندازه احساس ترس از جرم در بین مردم کاهش خواهد بود. وجود انسجام محلی، هماهنگی بین اعضا، همدلی اجتماعی، شدت تعاملات و روابط اجتماعی، همدردی اجتماعی و بهبود حلقه‌های محلی جمعی در امور اجتماعی، دیوارهای دفاعی ساکنان را در برابر احساس ناامنی، ترس و جرائم تقویت کرده، به دلیل چسب و پیوند اجتماعی عمیق ساکنان، ضمن اینکه عوامل ایجادکننده ترس اجتماعی را از مکان و زیستگاه انسانی دور می‌کند، همچنین اعتماد به نفس افراد را در اثر وجود امنیت اخلاقی، فقدان سارقان، تهدیدکننده‌های جانی، افزایش می‌دهد، بر این اساس، انسجام محلی، تضمین‌کننده امنیت جمعی است و جامعه را در مقابل عوامل قربانی کننده، محافظت کرده و تقویت می‌کند.

- مشارکت محلی، سطح ترس از جرم را در بین افراد کاهش می‌دهد، مقدار رابطه برابر با (۰/۴۴-) است، هرچه ساکنان اجتماع مشارکت بهتر و بیشتری در امور محله، مسائل انتظامی و قضایی باهم دیگر داشته باشند، امنیت به حالت نهادینه تبدیل شده و سطح ترس از جرم نیز کاهش می‌یابد. مشارکت در نگهداری امور محله، حفاظت جمعی از نظافت محیطی، برگزاری جلسات جمعی درباره مسائل محیطی و ایجاد بسترهای مشارکت عمومی در بین ساکنان، ضمن اینکه شناخت اجتماعی آن‌ها را از همدیگر، نسبت به ذائقه و سلیقه، هویت اجتماعی و محلی افزایش می‌دهد، فاصله اجتماعی را کاهش داده و زمینه‌های ترس از جرم را نیز از بین می‌برد، در این شرایط، همه در برابر محیط، حساسیت جمعی داشته و نوعی نظارت طبیعی شکل می‌گیرد، در سطح اجتماع، دیده عمومی بالا رفته، سطح ناشناختگی پایین آمده و در این

شرایط، دیگر، گدا، دزد، سارق، مزاحمان اخلاقی، جرئت تمایل به ارتکاب جرم را از دست می‌دهند و محیط، عوامل ترس را از بین می‌برد.

- هویت محله‌ای با ایجاد تعلق گروهی، امنیت هویتی و وابستگی به یک مجمع مهم اکتسابی و انتسابی، باعث کاهش ترس از جرم می‌شود، مقدار این رابطه برابر با (۰/۳۴۱-) است. هویت، شناسنامه افراد در طول عمر است، افرادی که دارای هویت اجتماعی، محلی، قومی و مذهبی بوده و به آن بیشتر پایبند هستند، در مقایسه با سایرین، احساس امنیت بیشتری می‌کنند، هویت‌های یکسان، گروه‌های اجتماعی و طبقات هم هویت را در راستای اهداف جمعی امکان‌پذیر می‌سازد، فردیت را کاهش و الگوهای جمعی را افزایش می‌دهد، در این حالت، داشتن هویت به یک محیط و ملح، باعث دل‌بستگی فرد به آن شده و وی را در برابر حفاظت از محیط زندگی، امنیت، مسائل همسایگی و محلی جدی‌تر می‌کند و احساس مسئولیت وی را در قبال محیط افزایش می‌دهد این امر به کاهش ترس از جرم در اثر افزایش اهمیت جمع نسبت به ممانعت از زوال فیزیکی و اجتماعی محیط می‌گردد.

- آگاهی اجتماعی، بسترهای ترس از بین می‌برد، افراد یک محیط یا داشتن آگاهی محیطی و اشراف به شرایط جغرافیایی، معابر، سایر مطالعاتی محیطی، احساس امنیت بیشتری را تجربه می‌کند. افزایش آگاهی اجتماعی از محیط زندگی، شهر و جامعه، بسترهای شناختگی را افزایش و باعث ارتقای سرمایه اجتماعی می‌گردند، هرچه داشتن فرد نسبت به محیط و محل زندگی افزایش یابد، به همان‌سان، موقعیت‌های آسیب‌زای را شناخته و همچنین با موقعیت‌یابی مکانی، خود را در برابر قربانی شدن در برابر مجرمان محافظت می‌کند.

- اعتماد محلی، یکی از مول‌های سرمایه اجتماعی و جزئی از تعلق اجتماعی است، هرچه سطح اعتماد بیشتر باشند، به همان اندازه ترس از جرم آن‌ها کاسته می‌شود. اعتماد اجتماعی باعث نزدیکی دل‌ها، همدلی جمعی، احساس نزدیکی افراد به همدیگر، تقویت بده و بستان‌ها بین

ساکنان شده و باعث حفظ پیوندهای جمعی می‌شود، در این شرایط، بسترهای ترس و ناامنی نیز از بین می‌رود.

رگرسیون چندگانه

جدول شماره (۶). رگرسیون چندگانه پژوهش.

متغیر مستقل	ضریب بتا	مقدار تی	مقدار f	سطح معنی داری
انسجام محلی	-۰/۱۵۴	-۵/۱۷۶	۲۰/۶۹۷	۰/۰۰۱
مشارکت محلی	-۰/۲۰۳	-۳/۱۲	۱۱۶/۴۰۲	۰/۰۰۳
هویت محله‌ای	-۰/۱۸۲	-۶/۳۷۱	۶۱/۸۳۲	۰/۰۰۱
آگاهی اجتماعی	-۰/۲۶۲	-۸/۷۲۳	۳۸/۲۴۹	۰/۰۰۲
اعتماد محلی	-۰/۱۷۳	-۵/۲۰۶	۲۱۵/۱۸۷	۰/۰۰۱

خلاصه مدل رگرسیونی پژوهش			
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
۰/۱۱۸	۰/۱۰۳	۰/۴۴۷	۰/۰۰۲

نتایج جدول نشان می‌دهد که انسجام محلی با بتای (-۰/۱۵۴)، مشارکت محلی (-۰/۲۰۳)، هویت محله‌ای (-۰/۱۸۲)، آگاهی اجتماعی (-۰/۲۶۲) و اعتماد محلی با بتای (-۰/۱۷۳) تأثیر معنی‌داری بر ترس از جرم داشته‌اند. در مجموع توانسته‌اند ۰/۱۰۳ درصد از تغییرات متغیر ترس از جرم را پیش‌بینی و تبیین نمایند.

بحث نتیجه‌گیری

تعلق اجتماعی و کاهش آن، بسترهای ورود مجرمان، گدایان، دست‌فروشان، غریبه‌ها و افراد گمنام را در محیط افزایش می‌دهد، نوعی سیگنال، به هم‌ریختگی محیطی، بی‌نظمی و رها گشتگی محیط به حال خود را به افراد مستعد بزه می‌رساند، در این حالت، ضمن افزایش سرقت، دزدی، کیف‌قاپی، مزاحمت‌های خیابانی، سطح مشارکت اجتماعی و فعالیت روزمره ساکنان نیز دچار اختلال می‌شود. بر این اساس، این پژوهش در پی فهم ارتباط بین تعلق اجتماعی و ترس از جرم با استفاده از مدل نظری فردیناند تونیس است. نتایج تحقیق گویای ارتباط معنادار بین تعلق اجتماعی و ترس از جرم است،

هرچه سطح تعلق اجتماعی (۲۷، ۰-) کاهش یابد، ترس از جرم و خطر قربانی شدن در بین ساکنان اجتماع شدت بیشتری به خود می‌گیرد. این امر به معنای کاهش کارایی جمعی در یک جامعه در حال گذار است. ترس از جرم از نگاه کارایی جمعی، در به هم ریختن تعادل اجتماعی ناشی از فرسایش نظارت غیررسمی، شبکه‌های محلی و حس همسایگی است. افزایش آمارهای رسمی جرم از جمله قتل، کودک ربایی، نزاع و درگیری خیابانی، توزیع و خرید و فروش مواد، دسترسی آسان به موادمخدر، مصرف مشروبات الکلی در مناطق بی‌دفاع شهری، سرقت و تهدید و اخاذی، نشان می‌دهد که اجتماع سکونتی، نوعی از زوال در باب نظارت و بازدارندگی را تجربه می‌کند. اجتماعی که به راحتی به غریبه‌ها و افراد سودجو، فرصت اقدام به رفتارهای موردنظر را می‌دهد، در خود ظرفیت چندانی جهت احیای هویت محله‌ای و تعلق اجتماعی به محله را احساس نمی‌کند و نوعی بی‌توجهی جمعی نسبت به نظم و امنیت محیط حاکم است. محله‌هایی که با بی‌توجهی اجتماعی مواجهه هستند، به مرور آلودگی محیطی و کیفیت پایین نظم را تجربه کرده و محله کیفیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد، مخروبه‌ها، منازل نیمه‌کاره و محیط‌های دور از دید طبیعی مردم، جای خود را به افرادی می‌دهند که در پی فرصت جهت بهره‌برداری به نفع خود هستند. به مرور محله و اجتماع مسکونی، باعث فراخوانی گروه‌ها و افرادی می‌شود که زوال اقدام جمعی را درک و تجربه کرده‌اند و موقعیت ارتکاب به جرم را مهیا می‌بینند. شهر اردبیل که از چهار منطقه، تشکیل شده، هر کدام از این مناطق، محله‌هایی با ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی هستند که جرائمی خاص را مرتکب می‌شوند. شواهد حاکی از توزیع جرائم از جمله نزاع، سرقت، قتل، کودک ربایی، خرید و فروش موادمخدر، مزاحمت ناموسی و اخلاقی در شهر اردبیل است. مطابق نظریه تونیس ساکنان شهرهای مدرن، برای محافظت از خود در برابر تنش‌های ناشی از محرک‌های متعدد و مستمر زندگی شهری، به یک لفاف خردگرا و غیرشخصی پناه می‌برند و در تعاملات خود با سایرین، کمترین میزان عواطف را دخیل می‌کنند. در این حالت، تعامل افراد با یکدیگر، بر اساس پایبندی به قراردادهای اجتماعی نه

خصوصیات شخصیتی شکل می‌گیرد. در این حالت با زوال همسایگی، تنزل اجتماع و تعلق اجتماعی مواجه می‌شود. سرمایه اجتماعی و دل‌بستگی مکانی از مفاهیم مهم و از دارایی‌های یک اجتماع محلی محسوب می‌شوند. بر این اساس، تعلق اجتماعی به محیط، به احساس امنیت جمعی نیز کمک می‌کند. در جامعه سنتی، به دلیل وجود شناخت اجتماعی از همدیگر، آگاهی از سابقه سکونت، هویت مشترک، همدردی عمیق و وجود سرمایه اجتماعی غیرعقلانی (غیر محاسبه و پولی)، سطح ترس از جرم و نگرانی از قربانی نیز پایین است، علت آن عدم وجود غریبه، بسته شدن روزنه‌های جرائم خطرآفرین یا رفتارهای پرخطر، سطح کنترل اجتماعی غیررسمی بالاست، با گذار از دنیای گم‌اینشافت به گزلفشافت، به دلیل از کنده شدن از ساختار یکدست و قرار گرفتن در یک ساختار ناهمگون، طبقاتی، روابط عقلایی و تقریباً ناشناختگی بالا، مسائل اجتماعی منفی افزایش یافته و میزان قربانی شدن افراد نیز فزونی می‌گردد، وجود غریبه‌ها، سرمایه اجتماعی پایین و محیط اجتماعی ناهمگون، اعتماد را کاهش می‌دهد، افراد از همدیگر می‌ترسند، مشارکت جمعی به‌سختی شکل می‌گیرد، کنترل اجتماعی اهمیت خود را از دست می‌دهد، به دلیل فقدان تعلق اجتماعی نسبت به هم و محیط، مسئولیت حفاظت از محله از گروه‌های غیررسمی به عهده نهادهای رسمی واگذار می‌شود، هرکسی دیگری را مسئول وقایع جامعه می‌داند، همین امر باعث می‌شود، حس جمعی بودن امنیت محیطی کاهش یافته و امنیت فردی پررنگ‌تر می‌گردد. به این دلیل، در صورت وقوع یک جرم و فقدان دفاع جمعی، این سیگنالی به مجرمان است تا اقدام بعدی را برنامه‌ریزی کنند. عدم تعلق اجتماعی به محیط در جامعه مدرن، مطابق نظریه پنجره شکسته، دوروزه محیط را به روی تبهکار، خلاف‌کاران و بزهکاران باز می‌کند، چون دفاع جمعی به دلیل پایین بودن تعلق اجتماعی وجود ندارد، ترس از جرم در جامعه فراگیر می‌شود. این پژوهش در بعد تجربی با نتایج مطالعات لئو و پولسون (۲۰۱۲)، لورنس و همکاران (۲۰۱۳)، احمدی و افراسیابی (۱۳۸۸)، سراج‌زاده و گیلانی (۱۳۸۸)، احمدی و عربی (۱۳۹۰)، سهراب‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) و سبزه‌ای و مرادی (۱۳۹۵) و در بعد نظری با

اندیشه جامعه در حال گذار فردیناند تونیس (از گماینشافت به گرلشافت) همسو بوده و آن‌ها را تأیید می‌کند.

پیشنهادها

- افزایش تعلق مکانی در ساکنان در شهر اردبیل؛
- ایجاد سرمایه اجتماعی محیطی بین ساکنان از طریق ایجاد زمینه‌های تعامل و همکاری مشترک در بحث نظم محیطی؛
- استفاده از هیئت‌مدیره و هیئت‌امنای ساکنان محیط در جهت حفظ امنیت محیط از طریق تعاون و همیاری محلی؛
- همکاری بیشتر با نگهبان محله، پلیس و نهادهای انتظامی در جهت معرفی و مبارزه با بزهکاران و مخلان نظم؛
- طراحی نظارت طبیعی در مجتمع مسکونی و تدوین امکان نظارت همگانی به محیط؛
- افزایش کاربری مفید و نهادهای محلی جهت ایجاد حس وابستگی اجتماعی به محیط؛

منابع

- احمدی، حبیب؛ عربی، علی (۱۳۹۲). «رابطه بین ساختار محله و ترس از جرم». فصلنامه انتظام اجتماعی، (۱)۵، صص ۳۷-۶۰.
- احمدی، حبیب؛ سروش، مریم؛ افراسیابی، حسن (۱۳۸۸). «ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز». فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، (۲)۲۰، صص ۶۵-۸۰.
- آبراهامز، جی. اچ (۱۳۶۳). «مبانی و رشد جامعه‌شناسی»؛ ترجمه حسن پویان. تهران: انتشارات چاپخش.
- آوتویت، ویلیام و باتامور، تام (۱۳۹۳). «فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم»؛ ترجمه حسن چاوشیان. تهران: نشر نی.
- پورجعفر، محمدرضا؛ خبیری، سمانه (۱۳۹۵). «ارتقای دل‌بستگی مکانی در فرایند بازآفرینی بافت‌های شهری کهن». فصلنامه هفت‌شهر، (۴)۴۶، صص ۱-۱۲.
- توکلی، مرتضی؛ موسوی، محمود (۱۳۸۸). «تحلیل تأثیر حس مکانی زنان روستایی شیعه مرزنشین بر مهاجرت در منطقه سیستان». دو فصلنامه بانوان شیعه، (۶)۲۱، صص ۱۶۱-۱۸۴.
- دانشپور، عبدالهادی (۱۳۸۸). «تبیین مدل دل‌بستگی به مکان و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه هنرهای زیبا». معماری و شهرسازی، (۱)۳۸، صص ۳۷-۴۸.
- روجک، کریس (۱۳۹۵). «نظریه فراغت»؛ ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر تیسرا.
- زیاری، کرامت‌الله؛ شریفی، امیر؛ نعیمی، کیومرث (۱۳۹۳). «ارزیابی نقش توسعه اجتماعی در تحکیم حس مکانی (مطالعه موردی: محلات ۱۰ شهر سمنان)». آمایش جغرافیایی فضا، (۴)۵۵، صص ۸۳-۹۸.
- ساعی ارسبی، ایرج؛ نیک‌نژاد، زهرا (۱۳۸۵). «زندگی‌نامه جامعه‌شناسان بزرگ». تهران: انتشارات زرباف.
- سبزه‌ای، محمدتقی؛ مرادی، گل‌مراد (۱۳۹۴). «بررسی تأثیر عوامل اجتماعی مؤثر بر ایجاد فاصله اجتماعی و ترس از جرم و ناپهنجاری بین دو قوم کرد و لک در شهر کرمانشاه». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، (۵)۱۴، صص ۱۶۱-۱۸۴.
- سراج‌زاده، حسین؛ گیلانی، اشرف (۱۳۸۸). «بی‌سازمانی اجتماعی و ترس از جرم (مطالعه مقایسه‌ای مناطق ۳ و ۱۲ شهر تهران)». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، (۴)۳۴، صص ۲۲۳-۲۴۴.

- سهراب زاده، مهران؛ عشایری، طاها؛ حسنونند، اسماعیل (۱۳۹۳). «تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم مناطق تبریز». فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، (۱۱) (۴۰)، ص ۳۴-۵۶.
- شارون، جوئل (۱۳۸۵). «ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی»: ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- شریف‌زاده، محمد شریف؛ عبدالله زاده، غلامحسین؛ اژدرپور، علیرضا؛ شریفی، مهنوش (۱۳۹۵). «جایگاه سرمایه اجتماعی در ارتقای تعلق مکانی (مورد مطالعه: مناطق روستایی شهرستان زابل)». مدیریت سرمایه اجتماعی، (۳) (۴)، ص ۳۷۵-۴۰۳.
- شکویی، حسین (۱۳۸۶). «اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا» تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی.
- شیردل، الهام؛ محمدی، مریم (۱۴۰۰). «مطالعه کیفی شکل‌گیری احساس تعلق اجتماعی و تکرار جرم در مددجویان سابقه‌دار». فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، (۱۰) (۲)، ص ۴۹۹-۵۲۸.
- عباس‌زاده، محمد؛ بنی فاطمه، حسین؛ علیزاده اقدم، محمدباقر؛ علوی، لیلا (۱۳۹۴). «ساخت و اعتباریابی مقیاس سنجش سازه دل‌بستگی مکانی در میان شهروندان شهر تبریز». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی، (۵) (۱۶)، ص ۳۱-۵۸.
- عشایری، طاها (۱۳۹۷). «تبیین جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در بین شهروندان شهر اردبیل». رساله دکتری تخصصی در رشته جامعه‌شناسی-گرایش مسائل اجتماعی ایران. دانشگاه کاشان، دانشکده علوم انسانی.
- فلاحت، محمدصادق (۱۳۸۵). «مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن». نشریه هنرهای زیبا، شماره (۲۶)، ص ۵۷-۶۶.
- قاسمی، مروارید (۱۳۸۳). «اهل کجا هستیم؟». هویت بخشی به بافت‌های مسکونی. تهران: نشر روزنه.
- قاسمی، وحید؛ نگینی، سمیه (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر بافت محلات بر هویت اجتماعی، با تأکید بر هویت‌های محل در شهر اصفهان». مطالعات پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، (۲) (۷)، ص ۱۱۳-۱۳۶.
- مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۶). «جماعت‌گرایی: نظریه‌ای برای عدالت، توسعه و مشارکت». تهران: انتشارات صمدیه.
- نقدی، اسدالله؛ وحدت، سلمان؛ سجادزاده، حسن (۱۳۹۵). «نقش سرمایه‌های اجتماعی در دل‌بستگی به مکان در محلات سنتی (نمونه موردی: محلات شهر همدان)». فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، (۶) (۱۸)، ص ۲۳-۵۲.

- وارثی، حمیدرضا؛ عامل بافنده، مهدی؛ محمدزاده، محمد (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل مؤلفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهرهای جدید (مورد مطالعه: شهر گلبار)». پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، (۲۱)، ص ۱۷-۳۶.
- Austin, D.M. Furr, L.A. & Spine, M. (2002). The Effects of Neighborhood Conditions on Perceptions of Safety. *Journal of Criminal Justice*, 30(5), 417-427
- Borgatta & R. J. V. Montgomery, Macmillan, New York, Pages: 2630-2637.
- Chavis, D.M. & Pretty, G.M. (1999). Sense of Community: Advances in Measurement and Application. *Journal of Community Psychology*, 27(6), 635-642.
- Chavis, D.M. & Wandersman, A. (1990). Sense of Community in the Urban Environment: A Catalyst for Participation and Community Development. *American Journal of Community Psychology*, 18(1), 55-81.
- Davidson, W.B. & Cotter, P.R. (1986). Measurement of Sense of Community within the Sphere of City1. *Journal of Applied Social Psychology*, 16(7), 608-619.
- Liu, Eric Y. & Edward C. Polson (2012), The colors of fear: A multilevel analysis of fear of crime across Houston area neighborhoods, *South African Journal of Sociology* Volume 20, 1989 - Issue 1.
- Lorenc T1, Petticrew M, Whitehead M, Neary D, Clayton S, Wright K, Thomson H, Cummins S, Sowden A, Renton A (2013), Fear of crime and the environment: systematic review of UK qualitative evidence. Part of the Springer Series on Evidence-Based Crime Policy book series (SSEBCP) BMC Public Health. 2013 May 24;13:496. doi: 10.1186/1471-2458-13-496.
- McMillan, David W & Chavis, David M (1986), Sense of community: A definition and theory, *Journal of Community Psychology*, vol.14, Pages: 6-23.
- Pollini, Gabriele (2000), 'Social belonging', in *Encyclopedia of Sociology*, eds E. F.
- Rogers, G.O. & Sukolatanamete, S. (2009). Neighborhood Design and Sense of Community: Comparing SubUrban Neighborhoods in Houston Texas. *Landscape and Urban Planning*, 92(3), 325-334.
- Rollero, Ch. & Norma De Piccoli. (2010), "Place attachment, identification and environment perception: An empirical study", *Journal of Environmental Psychology*, 30: 198-205
- Scannell, L. & Robert Gifford. (2010), "Defining place attachment: A tripartite organizing framework", *Journal of Environmental Psychology*, 30: 1-10
- Vaske, J. & Kobrin, K. (2001). "Place Attachment and Environmentally Responsible Behavior". *Journal of Environmental Education*, 32(4), 16-21.